■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹ | ۱۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۲۰ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - August 1, 2020

حدیث روز: بحارالانوار

امام رضا(ع): هر کس حریم خدا را حفظ کند، حرمتش حفظ می‌شود و هر کس خدا را اطاعت کند، اطاعت می‌شود.

پلک احساس: سعدی

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

امروز در تاریخ:

- تنفیذ حکم ریاست جمهوری ایران به محمد علی رجایی از سوی امام خمینی (ره) (۱۳۶۰)
- کشته شدن زائران ایرانی در عربستان (۱۳۶۶ ش)
- درگذشت گراهام بل، دانشمند بریتانیایی و مخترع تلفن (۱۹۲۲ م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۱۱ | غروب آفتاب: ۲۰/۰۸
اذان مغرب: ۲۰/۲۸ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۴/۳۷ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۳

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اهواز	بندرعباس	بجنورد	تبریز	رشت	زاهدان	خرم‌آباد
۳۷ / ۲۶	۴۸ / ۳۱	۳۷ / ۳۲	۳۵ / ۱۹	۳۴ / ۲۰	۳۲ / ۲۳	۳۸ / ۲۲	۳۸ / ۱۷

حکمت ۱۸۴: نهج‌البلاغه

از آن وقت که حق را به من نموده‌اند، در آن تردید نکرده‌ام.

خودنویس

نوشتن روی پوست موز

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

پسرک دارد با گره کیسه ور می رود. مرد دوربین به دست یکهو می گوید عثمان پاره‌اش کن. عثمان کوچولو کیسه را پاره و موز را انتخاب می‌کند. زبانه‌های موز را پایین می کشد و بیننده ضربه دوم را اینجا می خورد. یک تکه از پوست موز را که کنده شده برمی‌دارد که به نیش بکشد و مرد می‌گوید نه عثمان این جوری نه، این جوری ببین و بعد یک تکه از مغز موز را قلوه‌کن می‌کند و عثمان به نیش می‌کشد و تمام . ور خوشبین مغزم می‌گوید. حتما مرد فیلمبردار از عثمان یا یکی از همبازی های عثمان این‌گونه موز خوردن را دیده و به صرف با مزه بودنش یک بار دیگر این پلان را برداشت کرده و این ور و آن ور فرستاده و لایک درو کرده . یک ور دیگر ذهنم می‌گوید . خب طبیعی است در این سن مواجهه با موز می‌تواند یک امر طبیعی باشد . مرور می‌کنم مواجهه اول خودم را با کیوی و اولین باری که پدرم یک آناناس درسته خرید. ویدئوی دردناکی است. این را متبادر می کند که یک گروه خیریه یک بسته معیشتی به روستایی رسانده و بچه های روستا هنوز موز این بسته ها را ندیده اند و این یعنی در ایران هنوز هستند کسانی که موز نخورده‌اند. من قطعا به این ویدئو نخندیده‌ام، اما یک نکته ای را هم نباید فراموش کنیم. این‌که کمک رسانی به مردمان شریف و نجیب سرزمین‌مان هم آدابی دارد . نمی گویم موز مال طبقه خاصی است و عثمان نباید می‌خورد، عرضم این است که با توجه به زیست مردمان هر منطقه کمک رسانی بکنیم. چندی پیش که برای سیل سیستان در آن منطقه حضور داشتم، دوست جهادی‌ای می نالید که آقا در روزنامه‌تان بنویسید روستاهای سیستان، اسپاگتی و ماکارونی پیچی جزو سبد خوراکی‌شان نیست و هرچه می‌فرستید بی‌استفاده می‌ماند. یادداشت تمام شده و من به این فکر می‌کنم. اگر موز زیر زبان عثمان مزه داده باشد و آن مرد رفته باشد و عثمان دوباره دلش موز بخواهد، باید چکار کند؟

گفت‌وگو با بهروز رضوی، گوینده رادیو درباره نوشتن «نامه»

ملالی نیست جز دوری شما!

عکس: ایسنا

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

نوشتن از حرف زدن بهتر است. این را همه آنهایی که دستی به نوشتن دارند، می‌گویند، نوشتن برای خود یا نوشتن برای دیگری که به آن «نامه» می‌گویند. هر قدر حرف زدن می‌تواند سرسری باشد و بدون فکر و از روی عجله، نوشتن می‌تواند از روی صبر باشد و از روی فکر. در فیلم‌ها زیاد دیده‌ایم که یک نفر نامه‌ای می‌نویسد و بارها آن را پاره می‌کند، دوباره می‌نویسد و این تکرار و نوشتن و نوشتن، حرف‌های سطحی و کم‌عمق او را از ذهنش پاک می‌کند تا کم‌کم احساس عمیق و واقعی به شکل کلمه پیدا شده و روی کاغذ نوشته شود. کلمه وقتی به نوشته تبدیل می‌شود، تاثیرگذارتر می‌شود، شاید برای همین است که نامه‌های بزرگان و شخصیت‌های معروف وقتی در قالب کتاب منتشر می‌شود، برای دیگران هم جذاب شده و این کتاب‌ها معمولا به آثار پرخواننده‌ای تبدیل می‌شوند. کتاب‌هایی مانند چهل‌نامه نادر ابراهیمی به همسرش، نامه‌های نیما به همسرش عالیه، نامه‌های سیمین و جلال به یکدیگر. نامه‌های غلامحسین ساعدی به خانمی به نام طاهره، نامه‌های فروغ فرخزاد و این اواخر نامه‌های عباس کیارستمی به همسرش. نامه‌ها معمولا سبک زندگی و نوع تفکر آدم‌ها را نشان می‌دهد، شاید برای همین است که مانند یک درام پرکشش برای دیگران هم جذاب است. داستان بابالنگ دراز را خیلی‌ها خوانده‌اند و از روی این داستان که جین وبیستر آن را نوشته هم فیلم سینمایی ساخته شده و هم انیمیشن و بیشتر مردم دنیا با علاقه آن را دنبال کرده‌اند. اساس این کتاب، نامه‌هایی است که یک دختر در مدرسه شبانه‌روزی برای پدرخوانده‌اش می‌نویسد. او روزمرگی‌هایش را می‌نویسد و در خلال این نامه‌ها احساس خود، نوع زندگی در مدرسه، روابط و دیگر اتفاقات را روایت می‌کند.

عمق دادن به حوصله

قدیم‌ترها که نامه نوشتن جزو فرهنگ ما ایرانی‌ها بود، حتی ساده‌ترین نامه‌ها، پر از اتفاقات و احساساتی بود که آدم‌ها آن را تجربه می‌کردند. نامه‌ها معمولا با سلام و احوالپرسی شروع و در ادامه شرح از احوالات داده می‌شد، خوشی‌ها، ناخوشی‌ها و غم‌ها، نیازها یا دلتنگی‌ها. نویسنده نامه را معمولا سر صبر و حوصله می‌نوشت و گیرنده هم با حوصله آن را می‌خواند. حتی این فرصت را داشت نامه را چند مرتبه بخواند و در زمان مناسب جواب آن را بدهد. شتابی در کار نبود، برای همین حرف‌ها پخته می‌شد و سوء تفاهم‌ها کمتر.

قاعده نوشتن درست بود

بهروز رضوی، گوینده رادیو از نامه‌نوشتن تجربه‌های زیادی دارد. او می‌گوید: در جوانی به دلیل مشغله کاری معمولا از خانواده دور بودم، برای همین با نوشتن نامه با خانواده در ارتباط بودم. دوری و نبود امکانات الکترونیک باعث می‌شد نامه‌نویسی هم رایج باشد. برای نوشتن نامه معمولی برای خانواده، فرمول‌های ثابتی وجود داشت. با سلامی شروع می‌شد و بیت شعری که احساس مرا به خانواده‌ام نشان می‌داد. در زمان نامه نوشتن ناخودآگاه قاعده اصلی نوشتن را رعایت می‌کردیم. نامه‌ها مقدمه، متن و نتیجه‌گیری داشت. شبیه انشا نبود که توصیفی باشد، الان که از آن زمان فاصله گرفته‌ایم، متوجه می‌شوم قاعده کلاسیک نوشتن را در نامه‌ها رعایت می‌کردیم. در آخر نامه هم مثلا می‌نوشتیم: ای نامه که می‌روی به سویش از جانب من ببوس رویش.... شاید این نوشته الان طنز به نظر برسد اما بار عاطفی زیادی داشت. حتی اگر به شوخی نوشته می‌شد اما باز هم پر از مهر و محبت بود که به طرف مقابل می‌دادیم.

تبدیل نامه به پیغام

از رضوی می‌پرسم وقتی جوان بودید نامه عاشقانه هم می‌نوشتید؟ می‌گوید: بله! چند باری این‌کار را کردم. نامه‌هایی که پر بود از احساس و جملاتی معمولا غلو شده. چون ذات ابراز عشق غلو و بزرگ‌نمایی است. نامه‌های عاشقانه مثل هر نامه دیگری باعث می‌شد بار احساسی زیادی از روی دوش نگارنده برداشته شود. نامه را به صندوق پست می‌سپردیم و منتظر جواب می‌ماندیم همین انتظار برای دریافت پاسخ، ما را پخته‌تر و صبورتر می‌کرد. همین‌ها بود که وفاداری را بیشتر می‌کرد. آن زمان شتابی وجود نداشت. آدم‌ها به اندازه امروز در دسترس نبودند که از هم دلزده شوند. رابطه در هر نوعش دو طرفه است. در دوره نامه‌نوشتن، هرقدر زودتر جواب نامه را دریافت می‌کردیم، یعنی آن‌که برایش نامه نوشته‌ایم به ما مشتاق است. اما وقتی جواب نامه‌ها دیر به دستمان می‌رسید، یعنی باید کم‌کم خودمان را برای اتفاقات ناخوشایند آماده می‌کردیم. گاهی هم که جواب نامه اصلا به دستمان نمی‌رسید و قضیه کلا تمام شده بود. حتی گاهی نامه‌ها حاوی مطالب ناخوشایندی بود، اما این فرصت را به ما می‌داد تا فکر کنیم، قضایا را بسنجیم و به نتیجه بهتری برسیم. الان دیگر آدم‌ها نامه نمی‌نویسند. همه چیز در پیغام‌ها خلاصه می‌شود. پیام‌ها هرقدر کوتاه‌تر باشند، بهتر است؛ یعنی نه نویسنده حوصله توضیح دارد و نه گیرنده تحمل خواندن چند جمله یا کلمه بیشتر را. این سرعت باعث شده، واقعیت احساس آدم‌ها بیان نشود.

پستچی‌ها، پیام‌آوران شادی

رضوی می‌گوید: من پستچی‌ها را دوست داشته و دارم. حتی حالا که بیشتر برایمان نامه‌های اداری می‌آورند. پستچی‌ها می‌آیند با دست پُر. جواب می‌آورند، حالا کاری ندارم که این جواب خوب است یا بد. اما انتظار را پایان می‌دهند. همین‌که جواب را به ما می‌رسانند باری از روی دوشمان برداشته می‌شود. آن دوره که نامه‌نوشتن باب بود، پستچی‌ها بهترین آدم‌های روی زمین بودند. با دوچرخه یا موتور می‌آمدند و ما صدای وسیله نقلیه آنها را هم حتی می‌شناختیم. الان نامه‌ها معمولا با ایمیل فرستاده می‌شوند یا از پیام‌رسان‌ها استفاده می‌شود. پستچی به معنای یک موجود انسانی کم‌کم دارد حذف می‌شود، اما به نظرم پستچی‌ها هیچ‌وقت از ذهن ما پاک نخواهند شد. از رضوی می‌پرسم آیا تاکنون تجربه داشته‌اید برای افراد خانواده که با شما زندگی می‌کنند، نامه بنویسید، مثلا برای همسرتان، می‌گوید: نه! اما باید تجربه خوبی باشد. چون به نظرم وقتی با آدم‌ها رو در رو صحبت می‌کنی، شاید خیلی از عوامل به تو اجازه ندهد حرف دلت را بگویی؛ اما وقتی نامه می‌نویسی، واقعیت‌ها بیشتر و بهتر گفته می‌شود.

نامه؛ فرمی از قصه‌گویی

زنده‌یاد نادر ابراهیمی اما تجربه چنین کاری را داشته است. او نامه‌هایی را که در قالب کتاب چهل نامه به همسرم منتشر شد در خانه نوشته، در خانه‌ای که همسرش هم حضور داشته. در واقع او «فرم نامه نوشتن» را برای بیان سبکی از رفتار و زندگی انتخاب کرده است. سبکی که قدیمی نشده و تاریخ مصرفش تمام نمی‌شود، چون نویسنده زمان نوشتن نامه فراتر از زمان و مکان می‌رود و آینده را می‌بیند و با حس قوی خود می‌تواند بخشی از آینده را پیش‌بینی کند و آنها را در قالب کلمات بنویسد. شاید به همین دلیل است وقتی کتاب او را می‌خوانی احساس می‌کنی بخشی از زندگی خودت را مرور می‌کنی یا تمایل داری مثل نگارنده آن نامه‌ها زندگی کنی یا تصمیم بگیری و رفتار کنی.

از حرف تا سوءتفاهم

این روزها آدم‌ها برای هم نامه نمی‌نویسند. احساسات تبدیل به کلمه‌هایی کوتاه شده‌اند که گاهی به‌جای شکل دادن عاطفه یا عشقی باعث سوءتفاهم می‌شوند. درددل‌ها تبدیل به استیکرها و شکلک‌هایی شده‌اند که دیگران ساخته و باب کرده‌اند. آدم‌ها این روزها در دسترس‌اند. ویدئوکال می‌کنند و اگر از نظر جغرافیایی از هم دور باشند باز به هم نزدیک می‌شوند و رو در رو حرف می‌زنند و حرف‌ها شتاب‌زده بوده و هستند. شاید در این بحبوحه پرشتاب روابط، نامه نوشتن بتواند نجاتمان بدهد. سر فرصت کلمات را روی کاغذ بنویسیم. می‌گویند کاغذ حس خوبی دارد، انرژی خوبی به آدم منتقل می‌کند. برای حرف‌های مهم‌مان وقت بگذاریم، آنها را بنویسیم و پست کنیم اگر آدمی که برایمان مهم است، راه دوری نیست و در خانه زیر یک سقف با ما زندگی می‌کند، نامه بنویسیم، از احساس واقعی‌مان برایش بگوییم. حتی اگر دلخوریم، باز هم بنویسیم، حرف‌ها وقتی به کلمه تبدیل می‌شوند، معنای عمیق‌تری پیدا می‌کنند. نادر ابراهیمی چندین سال قبل وقتی هنوز نامه نوشتن باب بود، با حس قوی خود فهمید در آینده این رفتار خوب آدمیان از بین خواهد رفت و هشدار داد که نباید نامه نوشتن را نادیده بگیریم. نامه باورها و احساس‌های واقعی ما را بیان می‌کند.

مقطع حساس کنونی

زن، شوهر، اتوبوس، اجرا و موج دوم کرونا

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در پی شیوع موج دوم کرونا و لزوم مجدد رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی و دوران خانه‌نشینی اختیاری، مرد جوانی که تازه ازدواج کرده بود و صاحب یك فروشگاه لوازم بهداشتی بود، به علت داشتن بیماری زمینه‌ای، فروشگاه را به شریکش سپرد و خود به خانه‌نشینی روی‌آورد. وی در روزهای نخست، ساعاتی از روز را به هم‌صحبتی با همسر خود و ساعات باقیمانده را به تماشای تلویزیون (شبکه‌های داخلی) و مطالعه مطالب شبکه‌های اجتماعی (فیلترنشده) اختصاص داد. اما کم‌کم ساعات مصاحبت او با همسرش کمتر و کمتر شد و پس از چند روز تمام وقت خود را به تماشای تلویزیون و مطالعه مطالب شبکه‌های اجتماعی اختصاص داد. همسر وی که از این رفتار شوهرش ناراحت بود، مسأله را با یك مشاور آنلاین در میان گذاشت. مشاور پس از شنیدن صحبت‌های زن با توجه به این‌که تازه ازدواج کرده‌اند و علی‌القاعده نباید به این زودی دچار ملال پس از ازدواج شده و دیر آمده‌اند بخواهند زود بروند، در گام اول از وی خواست با شوهرش صحبت کند و علت این رفتار وی را به‌طور مستقیم از خود وی جویا شود. زن بلافاصله نزد شوهرش -که مشغول تماشای یکی از مسابقات فوتبال لالیگا بود- رفت و گفت: تا پیش از آن‌که ازدواج کنیم همواره دنبال من می‌دویدی و با من صحبت می‌کردی، چه شده است که اکنون این‌طور؟ و علت رفتار همسرش را از وی جویا شد. همسر وی که تمام حواسش به مسابقه فوتبال بود گفت: آدم وقتی اتوبوس رد می‌شود دنبال او می‌دود، اما وقتی سوار شد دیگر برای چی بدود؟ همسر مرد که از این پاسخ صریح و غیرمنتظره جاخورده بود بلافاصله وسایل خود را جمع کرد و در لحظه‌ای که رئال مادرید حمله خطرناکی را روی دروازه رئال سوسیه‌داد انجام داد خانه را ترك کرد و فردای آن روز به دادگاه رفت و مهریه خود را به اجرا گذاشت. ناظران آگاه اعلام کرده‌اند از آن روز مرد به دنبال اتوبوس می‌دود اما نمی‌رسد. همچنین گفتنی است وی عادت تماشای فوتبال را ترك کرده و تنها برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری را تماشا می‌کند.

مرور و عبور با جام‌جم: ۲۰۰ سال قبل

تلفن‌همراه، ارزان شد

قیمت انواع گوشی تلفن‌همراه در بازار تهران نسبت به هفته گذشته کاهش یافت. به گزارش واحد مرکزی خبر، فروشندگان این گوشی‌ها در تهران علت این کاهش را تحویل دادن سیمکارت صفر شرکت مخابرات بدون دریافت شماره سریال گوشی از متقاضیان اعلام کردند.

قیمت برخی از تلفن‌های همراه عبارتند از: اریکسون ۱۰۱۸ سوئدی: ۱۷۰ هزار تومان / اریکسون تی ۱۸ سوئدی: ۷۰ هزار تومان / اریکسون تی ۱۸ سوئدی: ۱۷۷ هزار تومان / نوکیا ۱۰۵: ۱۰۵ هزار تومان / بنفن فنلاندی: ۹۰ هزار تومان / الکاتل ایزی دی بی: ۷۸ هزار تومان / پاناسونیك جی دی ۹۰: ۱۸۰ هزار تومان (صفحه ۴)

عابدزاده: ماهی ۷۰ هزار تومان حقوق می‌گیریم

می‌گویند بیشترین پول را در پرسپولیس می‌گیری؟ اگر حقوق ماهی ۷۰ هزار تومان زیاد است، بگو عابدزاده بیشترین حقوق را می‌گیرد.

پیش پرداخت چطور؟ قراردادم با پرسپولیس در هیات فوتبال هست. بروید، ببینید چقدر گرفتم. در مقایسه با پول‌های میلیونی که هر تازه واردی می‌گیرد من هیچ نگرفتم. **نمی‌ترسی از مهدی هاشمی‌نسب گل بخوری؟** به‌جز خدا تا حالا از هیچ‌کس نترسیده‌ام. دروازه و دروازه‌بان را گذاشته‌اند برای گل زدن و گل خوردن. مهدی اگر بتواند گل می‌زند. این که ترس ندارد. (صفحه ۱۱)

مریم مقدس مهرماه می‌آید

سریال مریم مقدس، مهرماه سال ۸۰ پخش می‌شود. فیلمبرداری این سریال به کارگردانی شهریار بحرانی پایان یافته و اکنون دوبله آن به سرپرستی خسرو خسروشاهی آغاز شده است. علی‌اکبری، تهیه‌کننده این سریال به جام‌جم گفت: گویندگان این سریال، خود بازیگران هستند. همزمان با تدوین سریال، یك فیلم‌سینمایی هم از آن مونتاژ می‌شود. موسیقی این اثر را مجید انتظامی می‌سازد. (صفحه ۳)

نماینده مجلس، باغ دماوند را مفت خرید

در پی درج خبری در یکی از شماره‌های روزنامه جام‌جم مبنی بر این‌که باغ ۲۵۰ میلیونی را به ۵۰ میلیون خریدند، عده‌ای از هموطنان با ارسال نامه و تماس با جام‌جم خواستار معرفی خریدار این باغ شدند. به گزارش جام‌جم، باغ مزبور حدود ۵۴۰۰ متر مساحت داشته و دارای چاه آب، برق سه فاز پرقدرت و یك ساختمان ویلایی مجلل است. این باغ در شهرستان دماوند روبه‌روی سه‌راه احمدآباد واقع شده است. این باغ با پلاك ثبتی ۱۰۹ و جزو اموال یکی از بنیادهای دولتی است و بنا به گفته اهالی محل، به دلیل مرغوبیت باغات آن منطقه حداقل قیمت تقریبی آن هر متر بیش از ۵۰ هزار تومان است. بررسی‌های خبرنگار جام‌جم نشان می‌دهد یکی از نمایندگان مجلس ششم، خریدار این باغ است و به‌رغم این‌که تاکنون تصور می‌شد حدود ۵۰ میلیون بابت خرید این باغ پرداخته، ۲۵ میلیون آن را تخفیف گرفته است. این نماینده بار اول است که به مجلس راه یافته و این معامله پرسود را به نام خود ثبت کرده است. یك مقام اجرایی در منطقه به خبرنگار جام‌جم گفت: حداقل قیمت باغ ۲۵۰ میلیون تومان است. (صفحه ۲)

دیوید بکهام ۷۵ میلیون دلاری

تیم فوتبال آث میلان ایتالیا قصد دارد با خرید دیوید بکهام، ستاره تیم فوتبال منچستر یونایتد انگلستان رکورد ارزش خرید بازیکن در تاریخ فوتبال را بشکند. گالیانی، مدیرعامل باشگاه آث میلان که اکنون در اسپانیا به سر می‌برد به مدیر ورزشی بکهام پیشنهاد قراردادی به ارزش ۱۵۰ میلیون لیر، معادل ۷۵ میلیون دلار ارائه کرده است. این رقم در جهان فوتبال بی‌نظیر است و بیشتر از ارزش خرید لوئیس فیگو، هافبک پرتغالی تیم رئال مادرید است. آث میلان هم‌چنان حقوق خالص ماهانه بکهام را ۷۴۰ هزار دلار اعلام کرده که این رقم نیز تاکنون به هیچ بازیکن ایتالیایی پرداخت نشده است.

جام جم
JAM-E-JAM Vol.1.No.78,TUE,AUG.1.2000
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
در واکنش به تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری
کرباسچی: دولت اجرایی باشد وقت بحث انتخابات نیست
از فردا، در مرکز گفتگوی تمدن ها
اژدهای طلایی در تهران، اپرای چینی می خواند
باغ دماوند، چگونه به ۵۰ میلیون فروخته شد؟
نکات جدیدتری از حکایت خرید باغ ۲۵۰ میلیونی فاش شد
یک گفتگوی گوناگون خواندنی
عابدزاده: حقوقم ماهی ۷۰ هزار تومان است!
صنعت نساجی در حال از هم گسیختن است
هرچه بافته‌ایم با این وضع پنبه می‌شود
ورزشی
عمارلوها، خود را منتشر می کند
جامعه
پوشاک ایرانیان از تاریخ به امروز می آید
آتش سوزی در جنگلهای گیلان
سگ گاز گرفت دست پسربچه قطع شد
رسانه
مریم مقدس مهرماه متولد می‌شود